

دکتر مهشید مشیری

فرهنگ فارسی

الفبایی - قیاسی

جلد اول آ - ح



مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

مشیری، مهشید، ۱۳۳۰-
فرهنگ فارسی (الفبایی - قیاسی)
تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۹۴.

ج ۲

شابک ج ۱: 978-600-376-056-1

شابک ج ۲: 978-600-376-055-4

شابک دوره: 978-600-376-057-8

فیبای مختصر

فهرست نویسی کامل اثر در نشانی <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۳۱۱۸۵

فرهنگ فارسی

مهشید مشیری

چاپ اول: ۱۳۹۶؛ طرح جلد: فرشید خالقی

چاپ دیجیتال: حمید؛ شمارگان: ۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۱۱-۶۰۰-۳۷۶-۰۵۶-۱

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۳۷۶-۰۵۷-۸

حق چاپ محفوظ است.

* * *

مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

دفتر مرکزی: خ. انقلاب، خ. شهدای ژاندارمری، بین خ. فخر رازی و خ. دانشگاه، پلاک ۶۳، طبقه ۵

تلفن: ۱۲-۶۶۹۷۵۷۱۱-۸، ۶۶۴۸۰۳۷۷-۸، ۶۶۴۶۶۹۴۰، تلفکس: ۶۶۹۷۵۷۰۷

www.negahpub.com info@negahpub.com

Email: negahpublisher@yahoo.com

 [instagram.com/negahpub](https://www.instagram.com/negahpub)

 [telegram.me/newsnegahpub](https://t.me/newsnegahpub)

پیش‌گفتار

در دهه ۸۰ میلادی، که در دانشگاه سوربون به مطالعه نظریه‌های واژگان نگاری می‌پرداختم و در موسسه دیکسیونر روبر کار می‌کردم، با روش الفبایی-قیاسی آشنا شدم و دریافتم که کشف روابط منطقی واژه‌ها و بهره‌گیری از تداعی معانی در این روش، سبب افزایش نقش آموزشی فرهنگ زبان می‌شود و کمک می‌کند که سخنگوی زبان نبض واژگان را به دست بگیرد. از همان زمان با اندیشه بهره‌گیری از روش الفبایی-قیاسی در فرهنگ‌نویسی فارسی، کار تبیین این روش را با امکانات و محدودیت‌های زبان فارسی آغاز و بر آن اساس به تبیین فرهنگ الفبایی-قیاسی (سروش، ۱۳۶۸) را تدوین و منتشر کردم. در سال‌های بعد نیز در نگارش فرهنگ‌های عمومی و تخصصی گوناگون، از جمله فرهنگ جامع فارسی (دفتر یکم حروف آ، نیاد دانشنامه بزرگ فارسی ۱۳۷۵)، فرهنگ افعال فرانسه (سروش، ۱۳۸۹) و فرهنگ ۵۰۰۰ بلدی انگلیسی-فارسی (آریان-ترجمان، ۱۳۸۶) همکاری داشته‌ام، در این موارد سرچشمه تحت تاثیر نظریه‌ها و شیوه‌های رایج در واژگان‌نگاری فرانسوی بوده‌ام، ولی کوشیده‌ام تا متناسب با ویژگی‌های زبان فارسی، تغییراتی در کاربرد آن نظریه‌ها و شیوه‌ها ایجاد کنم. سوارری‌هایی انجام دهم. مثلاً قیاس (آنالوژی) در فرهنگ‌های الفبایی-قیاسی من، علاوه بر حوزه معنایی، که فرهنگ‌های مشابه اروپایی بیشتر به آن پرداخته‌اند، در مقولات صوری نیز عمل می‌کند. و نیز برخلاف هر فرهنگ دیگر زبان، در انتخاب شاهد و مثال‌های فرهنگ، تنها به «مهرت» بسنده نکردم و با توجه به مؤلفه‌های معنی‌شناختی، نقش مفاهیم را در انتخاب زمینه کاربرد دخالت دادم. به بیان دیگر گاهی ممکن است شاهد یا مثال ارائه‌شده شامل صورت واژه مدخل نباشد، ولی مفهوم آن را به دست دهد. مثلاً مراجعه‌کننده این فرهنگ زیر یکی از معنی‌های تعصب بی‌نی را می‌یابد که مفهوم تعصب از آن استنباط می‌شود، بی‌آنکه خود واژه در آن به کار رفته باشد:

گر مادر خویش دوست داری
دشنام مده به مادر من
(سعدی)

از این گذشته مبحث قیاس را از مرز واژگان نگاری فراتر بردم و آن را در دانشنامه‌نویسی (یا آنسیکلوپدیسیم) اعمال کردم: پرویدی دانشنامهٔ بزرگ فارسی^۱ بر شالودهٔ قیاس استوار است و دانشنامهٔ بزرگ فارسی^۲، که بنیان‌گذار آن استاد احمد بیرشک بودند و سرپرستی و سرویراستاری آن با من بود، بر پایهٔ کشف و ادعای شباهت جهان معارف به جهان هستی، با وجه شبه‌جامعیت و وحدت، تدوین شده است. به نظر من فرهنگ زبان نیز دریچه‌ای به جهان هستی می‌گشاید و گزارشی است از زبان به عنوان تجلی‌گاه بینش و دانش بشر از نظام هستی، و مجموعهٔ نظام‌مندی است که تأثیر و تعامل اجزای آن می‌تواند با تأثیر و تعامل اجزای عالم هستی قابل قیاس باشد.

و اما، کوشیده‌ام که این فرهنگ الفبایی-قیاسی را نیز با نگرش علمی به زبان و واژگان و در نظر گرفتن پویایی و تحول آن، با افزودن نقش آموزشی فرهنگ زبان، با اجتناب از تکرار فرهنگ‌های دین زبان، و با این امید به سامان برسانم که در کنار فرهنگ‌های دیگری که من در پیگان نوشته‌ام، نیاز زبانی و واژگانی امروزی سخن‌گویان و دوستداران فارسی را تا حد زیادی برطرف کند و در پی پویایی زبان، به تدریج متحول شود.

مهشید مشیری

پاییز ۱۳۹۶

۱. پرویدی دانشنامه بزرگ فارسی (فارسی-فرانسه-انگلیسی). طراح پرویدی و مدیر برنامه ریزی: دکتر مهشید مشیری. بنیاد دانشنامهٔ بزرگ فارسی ۱۳۸۱.

۲. دانشنامهٔ بزرگ فارسی (گزیدهٔ مدخل‌های کلان). به سرپرستی و سرویراستاری دکتر مهشید مشیری. بنیاد دانشنامهٔ بزرگ فارسی ۱۳۸۳.

مقدمه

نظام‌مندی و پویایی زبان

زبان به عنوان مهم‌ترین وسیلهٔ برقراری ارتباط بین انسان‌ها ویژگی‌هایی دارد که در تمام اجزای آن، بسی آواها، ساختارهای دستوری و واژگان منعکس است. یکی از این ویژگی‌ها، نظم و انتظام است. زبان یک نظام است که به زیرنظام‌هایی تقسیم شود و واژگان یکی از آن‌هاست که در هر چون زیرنظام‌های دیگر زبان، اولاً یک کلّ است که از اجزایی تشکیل شده و خواصی فراتر از مجموع خواص یکایک آن اجزا دارد. ثانیاً اجزای آن همبسته‌اند و از نظر صوری و نحوی سی‌های مشترکی دارند. ثالثاً اجزای آن، حدود و در نتیجه ارزش یکدیگر را مشخص می‌کنند و هر کاهش یا افزایش در تعداد اجزای نظام واژگانی بر اجزای دیگر تأثیر می‌گذارد. رابطهٔ کلّ زبان تحول می‌پذیرد. پویایی و تحول همچون ویژگی نظام‌مندی، در تمام سطوح زبان آشکار و از جهانی‌های زبان است و هر زبان زنده، حتی محافظه‌کارترین زبان در طول عمر خود، مستخوش تحول و تغییر می‌شود. به همین دلیل است که تاریخ هر زبان را به دوره‌هایی تقسیم می‌کنند. از آن جمله برای زبان فارسی، سه دورهٔ زمانی باستان، میانه و جدید در نظر می‌گیرند. کلّ نظام زبان فارسی، و نیز هر یک از نظام‌های فرعی آن، یعنی نظام آوایی (واجی)، نظام صرفی، نحوی و نظام واژگانی، در این دوره‌ها تغییر کرده‌اند. این تغییر خصوصاً در واژگان بسیار چشمگیرتر است. زیرا نظام واژگانی نظامی است باز، و در مقایسه با نظام آوایی و نظام صرفی و نحوی که بسته‌اند، رسوخ‌پذیرتر است و با سهولت بیشتری تحول می‌یابد.

به طور کلی ویژگی نظام‌مندی و تحول‌پذیری زبان کنایه‌ای است از نظم و انتظام کلّ جهان و بی‌ثباتی و تحول و تغییر کارخانهٔ دهر، و همواره موجب اعجاب و تحسین و ستایش خلق از نظام آفرینش و کمال مطلق، که به قول سعدی شیرازی:

آن نه رویی ست که من وصف جمالش دانم

این حدیث از دگری پرس که من حیرانم

جوامع واژگانی و جوامع بشری

همان‌گونه که پیش از این، در مباحث زبان‌شناسی و واژگان‌نگاری عنوان کرده‌ام، زندگی هر واژه به زندگی هر انسان می‌ماند و سرنوشت واژه‌ها در جوامع واژگانی، به سرنوشت انسان‌ها در جوامع بشری شباهت دارد. در مجموعهٔ واژگان زبان، واژه‌ها متولد می‌شوند، رشد می‌کنند، بالغ می‌شوند، در طول زندگی خود متحول می‌شوند، به فراخور زمان رنگ عوض می‌کنند، از زبان‌های دیگر وارد می‌شوند و ملیت زبان را می‌پذیرند، صورت دیگر می‌گیرند و معنی جدید می‌یابند، از گوشهٔ انزوا می‌رهند و رونق می‌یابند، یا از رونق می‌افتند و از اعتبار ساقط می‌شوند. درست مثل افراد نوع بشر.

واژه‌ها هم عاشق می‌شوند، با یکدیگر وصلت می‌کنند، تولیدمثل می‌کنند. واژه‌ها هم پیر و فرسوده می‌شوند، بیمار می‌شوند، می‌میرند و در جایی مدفون می‌شوند. واژه‌ها گاهی نیز مرده به دنیا می‌آیند. و فرهنگ زبان نباید «گورستان لغت» باشد که فقط گاهگاهی به آن سر بزنند.

فرهنگ‌نویس (یا واژگان‌نگار) باید جامعهٔ زبان را بشناسد، روان‌شناسی واژه‌ها را بداند، تاریخ زبان را بخواند و اما گونه که تاریخ‌نویس، سرنوشت و وضعیت جوامع گوناگون بشر را در دورهٔ خاصی از زبان چگونه که «هست» می‌نویسد یا اصولاً باید بنویسد، فرهنگ‌نویس نیز سرنوشت و وضعیت مجموعهٔ واژگان زبان را، در دوره‌ای از زمان که خود در آن زندگی می‌کند، باید آنگونه که «هست» بنویسد.

مجموعه‌های واژگان‌نگاری

کار واژگان‌نگار یا فرهنگ‌نویس، تهیه و ارائهٔ مجموعه‌ای از واژگان و اصطلاح‌شناختی است و این کار بر طبق اصول و روش‌های زبان‌شناختی و بهره‌گیری از پژوهش‌های واژگان‌شناختی صورت می‌گیرد.

هر یک از این مجموعه‌ها، به صورت کتاب، خواه چاپی یا الکترونیکی، دارای ویژگی‌هایی است که آن را از سایر انواع متمایز می‌کند.

مهمترین مجموعه‌های واژگانی و اصطلاح‌شناختی را می‌توانیم با نام‌های فرهنگ، واژگان، واژه‌نامه، واژگان خاص، فهرست نام‌ها، ضمیمهٔ ارجاعی (یا اندکس)، برابرنامه، فیشدان اصطلاح‌شناسی و بانک اصطلاح‌شناختی شناسایی و به ترتیب زیر تعریف کنیم:

فرهنگ زبان^۱ مجموعه‌ای است منظم از واحدهای واژگانی شامل اطلاعاتی درباره ماهیت معنایی، مفهومی، دستوری، آوایی و سایر اطلاعات مربوط به آن واحدها. هدف فرهنگ‌های زبان مهار کردن واژه‌های عمومی یا خاص زبان از طریق تجزیه و تحلیل معنایی، نحوی، صرفی یا آوایی زبان یا هر جنبه دیگر است. اگر فرهنگ زبان واحدهای واژگانی یک زبان را به صورت عام بیان کند، به آن فرهنگ عمومی (یا همگانی) زبان می‌گویند (مانند فرهنگ فارسی معین، فرهنگ وبستر، فرهنگ آکسفورد، فرهنگ روبس، فرهنگ لاروس و فرهنگ حاضر).

واژگان زبان را می‌توان از دو جنبه در زمانی و هم‌زمانی بررسی کرد. بنابراین فرهنگ زبان ممکن است یا در زمانی^۲ باشد یا فرهنگ هم‌زمانی^۳. فرهنگ‌های در زمانی با تاریخ زبان سروکار دارند و فرهنگ تاریخی زبان و فرهنگ ریشه‌شناختی زبان در این مقوله قرار می‌گیرند. در فرهنگ تاریخی زبان، تمرکز روی تغییراتی است که در صورت و معنای واحدهای واژگانی زبان در طول زمان ایجاد شده‌اند. مانند فرهنگ تاریخی زبان فارسی (بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷). در فرهنگ‌های ریشه‌شناختی زبان، توجه روی منشأ و ریشه و تحول و تطور واحدهای واژگانی زبان است. مانند فرهنگ ریشه‌شناختی زبان انگلیسی تألیف والتر اسکات (آکسفورد، ۱۹۵۰)، و فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فرانسه تألیف آلبر دازا (۱۹۵۱).

اگر فرهنگ زبان واحدهای منتخب واژگانی را صرفاً از جنبه برخی از مشخصه‌ها فهرست کند، به آن فرهنگ خاص می‌گویند. مانند فرهنگ متدفع‌های زبان فرانسه (روبر، ۱۹۸۳)، فرهنگ کوچه تألیف احمد شاملو (۱۳۶۱)، فرهنگ واژه‌های املائی فارسی (کتابسرا، ۱۳۶۶)، فرهنگ واژه‌های اروپایی در فارسی (البرز، ۳۷۱)، فرهنگ بسامدی اوزان و محور غزل‌های سعدی و حافظ (دانشگاه هرمزگان، ۱۳۸۰)، که همه فرهنگ آخر تألیف این نگارنده‌اند.

یکی دیگر از انواع فرهنگ، فرهنگ دانشنامه‌گی (یا دایرةالمعارفی) است که اطلاعاتی در مورد ماهیت زبانی (معنایی، دستوری، آوایی و ...) و نیز اطلاعاتی درباره روابط بین اشیا به دست می‌دهد و هدف آن بالا بردن کیفیت اطلاعات عمومی مراجعه‌کنندگان است. از خصوصیات فرهنگ‌های دانشنامه‌گی، در بر داشتن نام‌های خاص و ارائه اطلاعات

1. Dictionnaire

2. Dictionnaire diachronique

3. Dictionnaire synchrone

زندگینامه‌ای، جغرافیایی، تاریخی، فنی و آماری است. به طور کلی فرهنگ دانشنامگی مجموعه عظیم چند جلدی است که تا حد ممکن تمام زمینه‌های دانش بشری را دربر می‌گیرد. مانند دایرةالمعارف زبان فارسی مصاحب، لغت‌نامه دهخدا، دانشنامه بریتانیکا و آنسیکلوپدی دیدرو.

اگر مندرجات فرهنگ با تصویر همراه باشد به آن فرهنگ مصور می‌گویند. مانند فرهنگ‌های مصور علوم طبیعی، ایزارشناسی، شیمی در زبان فارسی (که معمولاً دو زبانه هستند).

اگر فرهنگی اصطلاحات یک یا چند رشته تخصصی را تعریف و توصیف کند، به آن فرهنگ فنی (یا تخصصی) می‌گویند. مانند فرهنگ‌هایی که در زمینه نفت، اصطلاحات تومبیل، اصطلاحات پزشکی و اصطلاحات انفورماتیک در زبان فارسی تهیه شده است. بدیهی است که چنانچه فرهنگ اصطلاحات یک یا چند رشته تخصصی را به دست دهد، جامع‌تر از فرهنگی خواهد بود که اصطلاحات رشته‌های گوناگون فنی و تخصصی را ارائه کند.

فرهنگ‌ها را از نظر اندازه و شمار مدخل‌ها می‌توان به جامع، متوسط و مختصر تقسیم کرد. بیشتر مراجعه‌سندگان با فرهنگ‌های مختصر، که معمولاً به قطع دانشگاهی یا قطع میز تحریری معروفند سروکار دارند. انتشار فرهنگ در این قطع از قرن بیستم که سهولت استفاده از فرهنگ مورد توجه پدید آمد، ندگن فرهنگ‌ها قرار گرفت آغاز شد.

فرهنگ‌ها را بر حسب زبانی که با آن ارائه می‌شوند می‌توان به انواع زیر تقسیم کرد:
الف) فرهنگ یک زبانه که واحدهای واژگانی یک زبان، همراه اطلاعات مربوط به همان زمان را به دست می‌دهد. به عبارت دیگر هر یک یک زبانه، زبان ارائه واژه‌های مدخل با زبان ارائه مطالب مربوط به آن‌ها یکی است. مانند فرهنگ فارسی معین، فرهنگ ویستر (در زبان انگلیسی)، فرهنگ لاروس (در زبان فرانسوی) و فرهنگ الفبایی-قیاسی فارسی (فرهنگ حاضر).

ب) فرهنگ دو زبانه در واقع ترجمه مطلوب پیام‌های ارتباطی یک زبان به زبان دیگر است که با یکدیگر رابطه فرهنگی دو طرفه یا یک طرفه دارند. مانند فرهنگ فارسی-فرانسه معلم، فرهنگ اطلس پنج جلدی انگلیسی-فارسی (آریان - ترجمان، ۱۳۸۶). به ویراستاری این نگارنده.

در اصطلاح‌شناسی مقایسه‌ای، به زبانی که واژه‌هایش مدخل می‌شوند، زبان مبدأ، و به زبانی که معادل آن واژه‌ها را به دست می‌دهد، زبان مقصد می‌گویند. فرهنگ‌های دو زبانه، باید بر اساس نظریه‌های زبان‌شناختی در ترجمه تهیه شوند.

ج) فرهنگ چند زبانه نیز ترجمه مطلوب پیام‌های ارتباطی چند زبان است. بنابراین، بسته به این که واحدهای فرهنگ در یک زبان، دو زبان یا چند زبان ارائه شده باشند، به ترتیب فرهنگ را یک زبانه، دو زبانه یا چند زبانه می‌نامیم.

واژگان نیز از انواع مجموعه‌های واژگانی و اصطلاح‌شناختی است که اصطلاحات یک رشته تخصصی، یک گروه از مردم، و یا یک فرد را به دست می‌دهد. اگر واژگان به تعریف و توصیف اصطلاحات قدیمی، نادر و ناشناخته بپردازد به آن واژگان خاص می‌گویند. یکی دیگر از مجموعه‌های واژگانی اصطلاح‌شناختی واژه‌نامه است که مستثنی از اصطلاحات یک رشته تخصصی و معادل‌های مربوط را در یک یا چند زبان دیگر، بدون ارائه تعریف فهرست می‌کند.

واژگان، واژه‌نامه و واژگانی خاص ممکن است یک زبانه، دو زبانه، و چند زبانه باشند. برابرنامه نیز معادل‌ها را از متن ترجمه شده می‌آید و اصطلاح‌های آن متن را در زبان منبع همراه با برابر منتخب آن زبان مقصد به دست می‌دهد.

فهرست نام‌ها و ضمیمه ارجاعی را هم می‌توان از مجموعه‌های واژگانی و اصطلاح‌شناختی به شمار آورد.

فهرست نام‌ها روابط مفهومی ساختار یافته‌ای را در نظام‌مند نام‌گذاری اصطلاحات را ارائه می‌کند و ضمیمه ارجاعی (یا اندکس) فهرستی است ثباتی از اصطلاح‌ها و واژه‌های استخراج شده از متن خاص که با شماره صفحه یا مانع‌های دیگر، دستیابی به اصطلاحات و واژه‌های متن را میسر می‌سازد. کشف‌الآیات، برای جست‌وجوی سوره‌ها و آیه‌های قرآن کریم، و کشف‌الابیات برای یافتن بیتی از دیوان شاعر معین فرهنگ بسامدی که واژه‌های آثار مکتوب را برمی‌شمارد، از انواع ضمیمه‌های ارجاعی‌اند.

فیشدان اصطلاح‌شناسی که اصطلاحات را به صورت دستی یا ماشینی تنظیم‌کنند و نیز بانک اصطلاح‌شناسی که داده‌های اصطلاح‌شناسی را برای بهره‌برداری و تحقیق داده‌پردازی در آن ضبط می‌کنند، در زمره مجموعه‌های واژگانی به شمار می‌آیند.

بنابراین آنچه ما فرهنگ می‌نامیم و برابر دیکسیونر فرانسوی و دیکشنری انگلیسی به کار می‌بریم، فقط یکی از مجموعه‌های واژگان‌نگاری و اصطلاح‌شناختی است و هریک از این مجموعه‌ها با منظور خاصی و بر طبق شیوه‌ها و نظریه‌های خاصی تنظیم و تدوین می‌شوند و مخاطب هر یک با دیگری فرق دارند. از این رو در واژگان‌نگاری همیشه این سؤال مطرح است که «چه کسی (یا کدام واژگان‌نگار)، چه چیزی (یا کدام مجموعه واژگانی و اصطلاح‌شناختی) را، چگونه (یا با کدام الگو و شیوه واژگان‌شناختی و

واژگان‌نگاشتی)، و برای چه کسی (یا کدام پیامگیر و مخاطب و استفاده‌کننده) تهیه می‌کند؟». و این سؤال از گام نخست، یعنی از لحظه‌ای که ضرورت وجود یک مجموعه واژگانی احساس می‌شود و اندیشه تدوین آن مجموعه به ذهن خطور می‌کند، و پس از آن در هر یک از مرحله‌های تهیه مجموعه واژگانی و حتی پس از چاپ، و در بازبینی‌های مکرر باید همواره مطرح باشد.

فرهنگ‌های ما^۱

الف) فرهنگ‌های عمومی و جامع زبان:

- فرهنگ الفبایی-قیاسی زبان فارسی- سروش، چاپ پنجم ۱۳۸۸.
- فرهنگ جامع فارسی: جزوه «آ»، (سرپرست و ویراستار)، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی، ۱۳۸۱.

- فرهنگ مگانم فارسی (دو جلدی)، نشر آسیم، ۱۳۸۲.
- فرهنگ فشرده زبان فارسی، نشر البرز، چاپ چهارم ۱۳۷۹.
- فرهنگ پیش‌دانشگاهی زبان فارسی، نشر البرز، ۱۳۷۴.
- فرهنگ الفبایی-قیاسی زبان فارسی (دو جلدی)، انتشارات نگاه (فرهنگ حاضر).

ب) فرهنگ‌های دو زبانه:

- فرهنگ افعال فرانسه-فارسی، انتشارات سرش، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
- فرهنگ پنج جلدی انگلیسی-فارسی، (ویراستار)، آریان - ترجمان ۱۳۸۶.

ج) فرهنگ‌های خاص:

- فرهنگ آوایی-املائی زبان فارسی، کتابسرا، ۱۳۶۶.
- فرهنگ واژه‌های اروپایی در فارسی، نشر البرز، ۱۳۷۱.
- فرهنگ قیاسی عشق و عرفان، نشر البرز، ۱۳۷۶.
- فرهنگ موضوعی غزل‌های فرخی یزدی، آگاهان ایده، ۱۳۷۹.
- فرهنگ موضوعی غزل‌های سعدی، انتشارات دانشگاه هرمزگان، ۱۳۷۹.
- فرهنگ بسامدی اوزان و بحور غزل‌های سعدی و حافظ، انتشارات دانشگاه هرمزگان، ۱۳۸۰.

- فرهنگ اتباع و اتباع‌سازی در زبان فارسی. آگاهان ایده، ۱۳۷۹.
- فرهنگ چهار زبانه سدسازی (با همکاری دیگران). وزارت نیرو، ۱۳۷۱.
- فرهنگ اصطلاحات عامیانه جوانان. آگاهان ایده، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- فرهنگ شاعران فارسی زبان (*Dictionnaire des poètes renommés persans*) آریان - ترجمان. ۱۳۸۶.

روش الفبایی-قیاسی

فرهنگ حاضر به روش الفبایی-قیاسی تنظیم شده است. برای روشن شدن امتیاز این روش بر روش‌های متداول تنظیم فرهنگ‌های زبان، ابتدا به اختصار به روش الفبایی تنظیم فرهنگ‌ها و محدودیت‌های ناشی از آن می‌پردازیم و سپس روش الفبایی-قیاسی و امکانات آن را مطرح می‌کنیم.

در روش الفبایی، که معمولاً فرهنگ‌های زبان (و مجموعه‌های ارجاعی) بر آن اساس تنظیم شده‌اند، هر مدخل در ردیف الفبای خود قرار می‌گیرد و هر واژه به صورتی مستقل از واژه‌های دیگر ضبط می‌شود. گاهی مجموعه‌های ارجاعی به روش موضوعی طبقه‌بندی می‌شوند. برای این کار، ابتدا مجموعه را بر اساس حوزه‌های مفهومی و موضوعات سازنده‌اش به زیرمجموعه‌های جداگانه تقسیم‌بندی می‌کنند. سپس واحدهای مربوط به هر زیرمجموعه را در آن می‌گنجانند. چنانچه این واحدها در هر زیرمجموعه موضوعی به ترتیب الفبایی ضبط شوند، طبقه‌بندی آن‌ها موضوعی-الفبایی یا (مخلط) است.

محدودیت اصلی استفاده از فرهنگ‌های الفبایی، خطی بودن مدخل‌های آن‌هاست. واژه‌های این فرهنگ‌ها با هم ارتباط ندارند و معمولاً منزوی استفاده می‌کنند. فرهنگ باید واژه‌ای را در جایی بیرون از فرهنگ بشنود یا ببیند و بعد به سراغ فرهنگ زبان برود. به بیان دیگر، فرهنگ الفبایی مشخصات واژه‌هایی را در اختیار ما می‌گذارد، که خود به دنبالشان هستیم و واژه‌ای را که صورت آن را نشناسیم به ما معرفی نمی‌کند. از آنجا که اصولاً تعداد واژه‌هایی که در فرهنگ زبان ضبط شوند، به مراتب بیشتر از تعداد واژه‌هایی است که در زبان روزمره استفاده می‌کنیم یا در محدوده مطالعات خود می‌بینیم و می‌شنویم، امکان زیاد وجود دارد که با بسیاری از واژه‌ها مواجه نشویم و در نتیجه به فرهنگ زبان مراجعه نکنیم. و این سبب می‌شود که فرهنگ زبان بیش از آنکه جنبه آموزشی داشته باشد، نقش یک مرجع صرف را بازی کند.